

گزارشی از زیارت
دوره ویژه در مدینه منوره

۲ خداحافظ
ای گنبد سبز پوش...



■ Sat 18 October 2014 ■ zaer93@hajj.ir ■ Zaer Issue ■

امروز ۳۲ کاروان حجاج به میهن بازمی‌گردند



عمره مستحبی فراغت شیرین حجاج / ۳

حرم امن / ۶

همه چیز درباره مسجد قبا / ۱۲

رهنمود



اهمیت نماز جماعت

حاجی‌ای که در مسجدالحرام یا مسجدالنبی، یادربقیع، یادربزارت شهدای احد و امثال اینها - در مناد، عرفات - رفتارش رفتار انسان مؤدب به آداب اسلامی است؛ رفتار انسانی است که مربای به تربیت قرآنی است؛ اهل خشوع است، اهل تواضع است، اهل محبت است، اهل اهانت به این و آن نیست، اهل جمع است، نه اهل تفرقه. اینقدر ما در روایات در ثواب شرکت در نماز جماعت اهل سنت در زمان ائمه (علیهم‌السلام) داریم که روایت دارد که در مسجدالحرام پشت سر اینها نماز بخوانید، مثل اینکه پشت سر پیغمبر نماز خوانده‌اید. این معنایش چیست؟ معلوم است که امام صادق نماز آن امام جماعت را با نماز پیامبر مقایسه نمی‌کند. مقایسه با نماز یک پیرو خودش هم نمیکند، اما می‌گوید پشت سر او نماز بخوانید. این یعنی چه؟ این نمایش وحدت است. عملاً وحدت را نشان بدهید. روی همین فکر بود که امام بزرگوار ما (که رضوان خدا بر او باد) - آن مرد بیدار، آگاه - به همه‌ی ماها، همه‌ی حاجی‌های ایرانی، توصیه کرد که در نماز جماعت‌ها در مسجدالحرام، در مسجدالنبی شرکت کنید؛ در این اجتماعات حضور داشته باشید، که یکی از مصادیقش این است.

بیانات در دیدار کارگزاران حج ۱۳۸۸/۰۸/۰۴

رییس دفتر رییس جمهوری با مراجع عظام تقلید دیدار کرد

نهادوندیان در این دیدارها با ابلاغ سلام حجت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی رییس جمهوری، گزارشی از وضعیت جاری کشور و برنامه های دولت در حوزه‌های مختلف به محضر مراجع تقلید ارائه کرد.

مراجع عظام تقلید نیز با ابلاغ سلام برای رییس

جمهوری، با ارائه دیدگاه‌های خود، برای نتیجه بخش بودن برنامه های دولت یازدهم و نمایان شدن تأثیر آنها در زندگی مردم و رشد و پیشرفت کشور، آرزوی موفقیت کردند.



محمد نهادوندیان رییس دفتر رییس جمهوری و سرپرست نهاد ریاست جمهوری عصر پنج شنبه در جریان سفر به شهر مقدس قم، با ۶ تن از مراجع عظام تقلید دیدار کرد. رییس دفتر رییس جمهوری با مراجع عظام تقلید دیدار کرد به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری،

رییس دفتر رییس جمهوری در این سفر با حضور در بیوت آیات عظام مکارم شیرازی، وحید خراسانی، علوی گرگانی، صافی گلپایگانی، جواد آملی و شبیری زنجانی با این مراجع تقلید دیدار کرد.

دمای هوا در برخی نقاط کشور کاهش می‌یابد



دور از انتظار نیست و از روز دوشنبه آینده خلیج فارس و دریای خزر موج خواهد بود. همچنین با کاهش میزان بارش‌ها در غرب، بخش‌هایی از شمال غرب و جنوب غرب، دامنه‌های مرکزی زاگرس و دامنه‌های مرکزی البرز، سامانه بارشی

سازمان هواشناسی کشور اعلام کرد: با کاهش بارش‌ها در مناطق غربی و گستره بارش‌ها به شرق کشور، با ورود سامانه بارشی از بعد از ظهر روز یکشنبه آینده شاهد بارش باران در شمال غرب و سواحل دریای خزر خواهیم بود و دمای هوا نیز در برخی از نقاط کشور کاهش می‌یابد.

دمای هوا در برخی نقاط کشور کاهش می‌یابد به گزارش ایران‌سازمان هواشناسی تصریح کرده است که از بعد از ظهر یکشنبه بارش برف و تگرگ در مناطق مرتفع استانه‌ای واقع در شمال غرب و ارتفاعات البرز و کاهش دما بر روی نوار شمالی کشور

دیدار با حجاج در منازل اسواف مدینه

حجت الاسلام والمسلمین سید محمدحسن ابوترابی فرد جانشین سرپرست حجاج ایرانی در مدینه بعد، با حضور در هتل منازل اسواف با حجاج ایرانی مستقر در مدینه منور بازدید بعمل آورد. این بازدید در ادامه بازدیدهای جانشین نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت صورت گرفت و طی آن حجاج و حجت الاسلام والمسلمین ابوترابی فرد به گفتگو و تبادل نظر پرداختند.



خبرنامه

دوره جدید - شماره ۲۹

۲۶ مهر ۱۳۹۳

۲۴ ذی الحجه ۱۴۳۵

18 October 2014

گزارشی از زیارت دوره ویژه در مدینه منوره



نماز در قبا را پیامبر، معادل عمره دانسته‌اند و حالا نوبت بازدید است از موزه‌ای که به تازگی در کنار این مسجد بنا شده. البته موزه واژه مناسبی برای آن نیست و بیشتر حالت نمایشگاه تاریخی مذهبی دارد چرا که این مجموعه در برگیرنده دو ماکت، چند دوربین پخش کننده فیلم و تعدادی بنر درباره تاریخ مدینه منوره است.

هوار و به تاریکی می‌رود؛ مشربه ام ابراهیم در جانب شمالی خیابان شارع علی بن ابی طالب (علیه السلام) دیده می‌شود، حجاج برای همسر حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) و مادر امام رضا (علیه السلام) صلواتی می‌فرستند و فاتحه‌ای می‌خوانند. آن‌هایی که می‌خواهند به حسینیّه شیعیان بروند، اندکی جلوتر پیاده می‌شوند و این برنامه زیارت دوره ویژه هم به پایان می‌رسد.

برخی مجبور به نشستن در راهرو یا ایستادن در آن هستند. اتوبوس در ابتدا به سمت احد می‌رود و در راه، ماجراهایی مربوط به شهدای خره، مسجد ابوذر غفاری، مسجد استراحه و... را می‌شنود و در احد، مزار حضرت حمزه سیدالشهدا (سلام الله علیه) را زیارت می‌کند و از دور راوی، شکافی را در رشته کوه احد نشان می‌دهد. شکافی که حضرت رسول در آن جاز زخم‌ها و جراحت‌ها می‌آسایند و بوی خوش آن، تاکنون نیز به مشام می‌رسد. شکافی که اکنون مسدود شده است. بعد از احد، میعادگاه بعدی مسجد قباست و راهی که از لابه لای محلات مدینه منوره می‌گذرد تا به بخش قبا برسد و در خلال این مسیر، حجاج از مقابل مکانی می‌گذرند که محل ورود کاروان اسرای کربلاست. ذکر مصیبتی و اشکی.

شهر تاریخی مدینه، آن قدر نقاط دیدنی و مهم دارد که دیدن همگی آن‌ها از درون اتوبوس هم ساعت‌ها وقت می‌خواهد. خبرنگار با پایگاه اطلاع رسانی حج که عصر پنجشنبه با جمعی از حجاج ایرانی همراه شده است، در طی حدود سه ساعت گردش با اتوبوس توانسته است بخش‌هایی از این اماکن با اهمیت را ببیند. روای این بازدید حجت الاسلام علی غزالی بود که چند سالی است در مجموعه بعثه مقام معظم رهبری فعالیت می‌کند و امسال نیز به عنوان مسوول کتابخانه به حج مشرف شده است؛ از دیاد در خواست‌های حجاج، حجت الاسلام غزالی را به یاری روایت‌گران کشانده است. جمعی از حجاج از قصر الدخیل و مابقی از هارمونی به اتوبوس سوار می‌شوند و جمعیت آن چنان فشرده است که

خدا حافظ ای گنبد سبزپوش...

تک‌نگاری سومین دعای کمیل تمتع ۹۳



نواي شورانگيز کمیل، از نرده‌های سبزرنگ صحن نبوی اوج می‌گیرد و بالا می‌رود، اشک‌ها سرازیر است و چشم‌های غریبه، خیره این نظم و آرامش و عاطفه. حجاج ایرانی خاطره نشستن مقابل درب سبزه‌دم بقیع را هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنند؛ جایی که هزاران ایرانی، منظم و به هم پیوسته می‌نشینند تا قرآن خوانده شود و پس از آن حاج حمید رضا رمضان پور، مناجات خود را آغاز کند. هوای گرم است و نه سرد و نسیم ملایمی می‌وزد؛ دمای هوا در حدود سی درجه سانتی‌گراد است. انبوه جمعیت سراسر بین الحرمین نشسته‌اند.

پیش از این‌ها، حاج مهدی قربانعلی اعلام برنامه می‌کند و از توفیق تشرف به بین الحرمین می‌گوید و آغاز مراسم را نوید می‌دهد؛ همین‌ها به عربی هم تکرار می‌شود، البته فشرده‌تر و کوتاه‌تر. بچه‌های صوت و تصویر، تنها آدم‌هایی‌اند که در صحنه بین الحرمین جابه‌جایی می‌شوند. ساعت ۲۱ و ۴۵ دقیقه را نشان می‌دهد که حاج غلام رضا غلام‌رضا زاده، با همان لهجه عربی‌اش، خواندن دعای کمیل بن زیاد نخعی را آغاز می‌کند و پیوسته قرائت آن را ادامه می‌دهد تا ۳۰ دقیقه بعد. گاهی «یا غیاث المستغیثین» های جمعیت به آسمان می‌رود و

زمانی «یارب یارب یارب» هایشان. نوبت به حاج سیدعلی سادات رضوی آخرین مداح سومین دعای کمیل مدینه می‌رسد که فراغ‌نامه‌ای را در باب مدینه می‌خواند: خدا حافظ ای گنبد سبزپوش / که هم گل‌فشانی و هم گل‌فروش...

اواز حاجیان می‌خواهد که دست‌ها را بالا بیاورند و العفو بگویند، تا جانشین نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت برایشان دعا کند.

حجت الاسلام والمسلمین سید محمدحسن ابوترابی فرد هم با الله و یا رحمان دعایش را آغاز می‌کند و آن را با وحدت مسلمانان، پیروزی آنان بر کفار، سلامتی رهبر انقلاب به پیش می‌برد و در برآورده شدن حاجات به پایان می‌رسد.

بار دیگر بلندگوها روشن می‌شود و پایان برنامه را اعلام می‌کند؛ جمعیت دسته‌دسته متفرق می‌شوند. حالا فقط اهالی سیما و صدا مانده‌اند تا واسیلی را که در کمتر از یک ساعت نصب کرده‌اند و حاجیان به فیض کمیل برسند، را در سی دقیقه جمع‌آوری کنند و همه چیز در مقابل بقیع به روال عادی باز گردد.



رهایی از هراس قیامت

قال رسول الله (ص):
مَنْ زَارَني أَوْ زَارَ أَحَدًا مِنْ ذُرِّيَّتِي زُرْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
فَأَقْدَمْتُهُ مِنْ أَهْوَالِهَا
رسول خدا (ص) فرمود:
هر کس مرا زیارت کند، یا یکی از فرزندانم را
زیارت کند، من هم روز قیامت به زیارت او می‌روم
و او را از هول و هراس‌های قیامت می‌رهانم.
بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۲۳۰

امروز ۳۲ کاروان حجاج به میهن باز می‌گردند



امروز شنبه ۳۲ کاروان از سرزمین وحی وارد جمهوری اسلامی ایران خواهند شد.

غروب دوشنبه، هیچ حاجی ایران در مکه نیست

آخرین پرواز حجاج ساعت شش و نیم عصر دوشنبه انجام می‌شود و این به معنای خالی شدن مکه مکرمه از ایرانی‌هاست. رئیس ستاد مکه مکرمه که در گفت‌وگو با پایگاه اطلاع‌رسانی حج در تشریح آخرین وضعیت حجاج ایرانی مستقر در این شهر سخن می‌گفت، این خبر را اعلام و اضافه کرد: پروازها با تاخیر اندکی از فرودگاه جده خارج می‌شوند و امیدواریم این روند تا آخرین روز ادامه یابد.

آقای مسعود مجردی درباره اضافه بار حجاج هم گفت که جز در برخی کاروان‌های اهل سنت، این مساله به وجود نیامده و در این مورد هم، بارهای اضافه دیروز با یک پرواز مستقل به ایران ارسال شد.

تخلیه ۳۰ هتل

رئیس ستاد مکه با اشاره به این موضوع که ۵۰ درصد عوامل ستادی تاکنون از این شهر خارج شده‌اند، یادآور شد:

آمار حجاج ایرانی در مکه و مدینه

روز گذشته، حدود سه هزار حاجی به مدینه و کمتر از دو هزار نفر نیز به جده رفتند؛ با این حساب شب گذشته ۲۶ هزار و ۵۰۰ حاجی ایرانی در مکه و مدینه به سر می‌بردند که بیش از ۱۰ هزار و هشتصد زائر ایرانی در مکه مکرمه و ۱۵ هزار و ۷۰۰ نفر در مدینه منوره حضور داشته‌اند.

امروز ۳۲ کاروان حجاج به میهن باز می‌گردند

به گزارش خبرنگار ما، امروز شنبه ۲۶ مهرماه ۳۲ کاروان از سرزمین وحی وارد جمهوری اسلامی ایران خواهند شد. از این تعداد ۱۱ کاروان از استان تهران ۷ کاروان از خراسان رضوی ۶ کاروان از خوزستان ۳ کاروان از آذربایجان شرقی و همچنین از استان‌های زنجان و مازندران نیز هر کدام دو کاروان و لرستان و قم نیز هر کدام یک کاروان تشکیل یافته‌است. امسال برای نخستین بار ۲۰ هزار و ۵۰۰ حاجی با ۱۴۴ کاروان از طریق فرودگاه امام خمینی به ایران اسلامی باز می‌گردند. این حجاج از استان‌های تهران، البرز، قم، قزوین، سمنان و لرستان می‌باشند. انتقال حجاج ایرانی که از ۱۷ مهرماه آغاز شده است تا ۹۳ ادامه خواهد داشت.

از مجموعه ۵۶ هتل در اختیار حجاج ایران نیز ۳۰ هتل تخلیه شده است. آقای مجردی یادآور شد که ستاد تا زمان حضور آخرین حاجیان ایرانی به کار خود ادامه خواهد داد و هم‌اکنون نیز کلیه واحدها مشغول خدمات‌رسانی‌اند.

وی ادامه داد: البته به دلیل کاهش زائران، نقل از حالت خطی خارج و تعدادی اتوبوس در اختیار مدیران مجموعه‌ها قرار گرفته تا از آن‌ها برای تردد به حرم یا زیارت دوره استفاده کنند.

حضور در مدینه

آقای مجردی درباره احتمال کاهش مدت اقامت زائران در مکه و افزایش این زمان در مدینه هم اظهار داشت که در خواست‌هایی در این مورد وجود داشت، اما به دلیل وضعیت مدینه منوره امسال چنین اتفاقی نیفتاده است.

وی به خدمات‌رسانی مرکز پزشکی هم پرداخت و تعداد فوت‌شدگان در مکه را ۱۱ نفر اعلام کرد؛ سه نفر از آن‌ها در مکه دفن شده، ۹ پیکر به ایران منتقل و دو پیکر نیز بعد از طی مراحل اداری به کشور ارسال خواهند شد.

عمره مستحبی، فراغت شیرین حجاج



سعی کردن و دوباره گردیدن، در کمتر از آبی تمام می‌شود. اگر ورود حول و حوش ۱۲ نیمه‌شب باشد، قبل از سه و چهار بامداد، همه اعمال به انتها رسیده. حس خوردن آب زمزم، صلوات‌فرستادن بر نبی و آل او، زمزمه ادعیه اشواط و مسعا و درهم شدن با جماعت طواف کننده، در عمق جان می‌نشیند.

روزهای طولانی حضور در مکه، فراغتی شیرین‌تر و تکرار ناشدنی‌تر از عمره مستحبی ندارد؛ به نیابت همه آن‌هایی که دوستان داریم و بدان‌ها می‌دویم هستیم.

شب‌ها دسته‌های کوچک و بزرگ مردان و زنان سفیدپوش، بیرون هتل‌ها تجمع می‌کنند، آن‌هم چندین روز پس از عید قربان. با خلوت‌تر شدن مکه مکرمه، برخی حجاج ایرانی و غیر ایرانی در صدد برمی‌آیند که یک عمره مستحبی انجام دهند.

برای رفتن به مسجد تنعیم که سعودی‌ها اصطلاحاً بدان می‌گویند عمره، دو راه وجود دارد: یکی رفتن به باب ملک‌فهد مسجدالحرام و سوار شدن بر اتوبوس‌ها یا ماشین‌هایی که ۲ تا ۱۰ ریال می‌گیرند و به تنعیم می‌روند یا درست گرفتن یک تاکسی به مقصد مسجد. فاصله تقریباً از تمامی نقاط به مسجد تنعیم، حدود ۱۵-۲۰ دقیقه است و برای رسیدن به این نقطه باید از منطقه شهدا گذشت؛

تنعیم مسجدی چهار گوش و بزرگ است که پیش از رسیدن به آن، علامت‌های حد حرم خودنمایی می‌کند. مسجد دارای ورودی است؛ دو تا در چپ و راست و یکی در وسط. وسطی برای مردان و گوشه‌های برای زنان. عمره‌گزاران معمولاً بعد از خواندن چند رکعت نماز، تلبیه می‌گویند و بیرون می‌آیند.

ماشین‌ها برای ورود مجدد به مکه تا بر پلی می‌روند و دور می‌زنند؛ تا فاصله رسیدن به امتداد تنعیم که حد ورود به حرم است، شیعیان تلبیه را تکرار می‌کنند. البته اگر ترافیک نباشد که معمولاً در آخرین ساعت شب از آن خبری نیست، مسیر رسیدن به حرم سریع طی می‌شود و زائران به مقابل باب ملک عبدالعزیز می‌رسند. هفت دور گرد خانه چرخیدن،



حج همراه پیامبر

امام صادق علیه السلام فرمود:
زیارت قبر پیامبر خدا(ص) و زیارت قبر شهیدان
و زیارت قبر امام حسین(ع) برابر است با یک حج
مقبول همراه رسول خدا(ص).
وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۷۸.

ماجرای نمونه

مناعت طبع

بلند همتی، روحیه بزرگوارانه و اخلاق کریمانه، از نشانه‌های کمال در انسان است. همسفری با دیگران خصلت‌های درونی را بروز می‌دهد و نیک و بد افراد و حقارت نفس و مناعت طبع اشخاص را نشان می‌دهد.

عزت نفس سبب می‌شود که مسافر، در میان همراهانش محبوب گردد. برعکس، طمع‌ورزی و بخل و حرص، مایه رنجش دیگران می‌شود.

برخی در سفر، نه تنها ره توشه مورد نیاز خود را با خود برمی‌دارند تا کم و کسری نداشته باشند، بلکه بیش از نیاز شخصی هم وسایل و امکانات و توشه و غذا و پول برمی‌دارند تا به دیگران نیز کمک کنند. توکلشان هم بر خداست و از او چشمداشت پاداش اخروی دارند.

بعضی هم سعی می‌کنند خود را توکل بر دیگران کنند و سر سفره این و آن بنشینند و چیزی خرج نکنند و خبری به دیگران نرسانند. نام آن را هم به غلط، توکل می‌گذارند.

در کتب تفسیر نقل شده است: گروهی از بادیه‌نشینان عرب، در سفر حج بدون همراه داشتن غذا و خوراکی به راه افتاده بودند و سخنشان این بود که: ما اهل توکل بر خداوندیم. بعضی‌شان می‌گفتند: ما حج خانه خدا را انجام می‌دهیم، چطور ممکن است خدا به ما طعام نرساند؟

با این تفکر و روش بار خود را بر دوش دیگران می‌گذاشتند، بی‌آنکه باری از دوش دیگران بردارند.

اخلاق کریمانه اقتضای کند که حاجی (و هر مسافر دیگر) در سفر خویش دست و دل باز باشد و از سخاوت و بذل و بخشش خویش، همراهان را برخوردار سازد.

خست نفس و روحیه حقیر و کوچک داشتن، زبینه یک مسلمان نیست، بخصوص در سفر حج، که سفر متمکنان و اهل استطاعت است و خداوند از کسانی که توانگر مالی باشند، دعوت کرده و بر آنان واجب ساخته که به فریضه حج بپردازند. او کریم و بزرگوار است.

دوست دارد مهمانش هم خلق و خوی بزرگوارانه و مناعت طبع داشته باشد.

فاش کردن اسرار و بدگمانی؛ خیانت و تباهی عبادت

پرهیز از سوء ظن

شایسته است حاجیان کاروان خود را به کانون محبت و صفا تبدیل کنند و نسبت به همدیگر مهربان و خوشبین باشند و از هر گونه سوء ظنی بپرهیزند. امیر مؤمنان علی(ع) فرمود: «کار برادر دینی خود را به بهترین وجه توجیه و حمل کن، تازمانی که از او کاری سرزند که راه توجیه را بر تو ببندد و هیچگاه از سخنی که از (دهان) برادرت بیرون آید تا وقتی که می‌توانی محمل خوبی برای آن بیابی گمان بد مبر.» حسن ظن و خوش بینی نسبت به دیگران، از برترین ارزش‌های اخلاقی و بزرگ‌ترین عطیه‌ها است. برای حل مشکل سوء ظن، پیشوایان اسلام تا آنجا جلو رفته‌اند که رسول خدا(ص) فرمود: «طَلَبُ لَاحِیکَ عَذْرًا فَإِنْ لَمْ تَجِدْ لَهُ عَذْرًا فَالْتِمَسْ لَهُ عَذْرًا» . «برای گفتار و کرداری که از برادر تو سر می‌زند عذری بجوی و اگر نیافتی عذری بساز!»

بنابر این، از آنجا که حاجیان در سفر حج، به عبادت خدا روی آورده و در صدد کسب معارف و آموزش الهی برآمده‌اند، باید به شدت از سوء ظن و بدبینی نسبت به دیگران خودداری کنند؛ زیرا گمان بد عبادت را تباه می‌کند.

بر گرفته از کتاب در سنامه آداب سفر حج (۱ جلد)،
حجت الاسلام والمسلمین قاضی عسکر

رازداری

شیوه تقسیم‌بندی زائران هر کاروان به گونه‌ای است که معمولاً هر چند نفر در یک اتاق ساکن می‌شوند و نزدیک به یک ماه شب و روز با هم به سر می‌برند، در چنین وضعیتی طبیعی است که میان آنان گفت‌وگوهای رد و بدل شود که چه بسا بعضی از آن‌ها دوست ندارند این سخنان جای دیگری بیان شود؛ از این رو پیشوایان دینی به ما دستور داده‌اند تا سخنان محرمانه اشخاص را برای کسی بازگو نکنیم. امام صادق(ع) فرمود: «آنچه در مجالس گفته می‌شود امانت است و کسی حق ندارد، سخن هم صحبت خود را برای دیگری بازگو کند مگر آنکه با اجازه او بوده و یا نقل آن، بیان خوبی او باشد (مانند آن که کسی در مجالس خصوصی، همسفران خود را به نیکی به عبادت و امثال آن تشویق و ترغیب کرده و این مطلب برای دیگری بازگو شود).»

رسول خدا(ص) در این زمینه فرمود: «مجالس امانت‌اند و فاش کردن راز برادر دینی، خیانت است پس از این کار دوری کن.» و در حدیث دیگری فرمود: «وقتی دو نفر با یکدیگر در جلسه‌ای صحبت می‌کنند، آنچه با یکدیگر در میان می‌گذارند امانت خدا است، پس جایز نیست که یکی از آن‌ها بر خلاف میل برادر دینی اش آنچه را که او میل به افشای آن ندارد، بازگو کند.»

مناجات

دریغ! اگر خویش، تیشه بر ریشه زنی و ریشه را از بیخ برکنیم.

الهی!... بر خنای با سیمای صالحانه و صدای ناصحانه، عمل طالحانه می‌کنند، موج شبهه می‌گسترانند و صغیر و کبیر و خواص و عوام را، از بام تا شام، می‌فریبند، دست مردان را کوتاه می‌کنند، تا پای زنان را به صحنه بکشانند.

الهی!... بصیرت را به سیرت و صورت ما باز گردان، راه باطل و جاهل را ببند، راه حق را باز گردان.

الهی!... طالب کیست و مطلوب چیست؟ طالب کم است و طالب نما بسیار، مدافع اندک است و مهاجم بیشمار.

نیت‌ها در پشت عمل‌ها نهان است. چه بسیار دایره‌ها که بر مدار نقطه نفس می‌چرخند.

آنان که مدعی اداره جهانند، از اداره خویش ناتوانند، مدعی هدایت بشرند، اما از داخله خود بی‌خبرند.

بیگانه را می‌خوانند و خودی را می‌رانند. آیین رهروی را پیش از داعیه رهبری به ما بیاموز.

این نفس را نفیس کن و با یاد خودت، انیس!

الهی!... اراده، سرمایه طالب است و ارادت بهره مطلوب. مرید اگر بی‌اراده باشد، عوام است

و مراد اگر بی‌ارادت باشد، دولت بی‌دوام.

ارادت مریدان را به اراده قرین کن، و مراد را با مرید، هم‌تشین.

الهی!... آنان که در پی مریدند، اگر در پی مراد روند، راد شوند. در روز حشر، رضای مراد به کار آید، نه عطای مرید.

الهی!... امیران کشور دل به درگاهت حقیرند و اسیران بت نفس، به یاریت فقیر

ما را امیر کشور دل کن، تا اسیر فرعون نفس نشویم، گاهی تو را گم می‌کنیم، مددی تا خویش را گم نکنیم.

ما را به حلیه المتقین خلوص بیاری، با کفایه الموحیدین ایمان، کفایتان فرماید.

الهی!... صبر تو از تحمل ما بیش است گله از بیگانه نیست، از خویش است، که غفلتش مایه تشویش

است. دفع خودی برای جذب بیگانه، نه کار عاقلان است، نه کاری است عاقلانه.



شفیع قیامت

پیامبر اسلام (ص) فرمود:
هر کس به زیارت من آید، در
روز قیامت شفیع او خواهم بود.
وسائل الشیعه،
ج ۱۰، ص ۲۶۱.

دریچه

حفظ حریمها در مجلس پیامبر

گاهی بیان کاستی‌ها و زشتی‌ها
و عیوب دیگران نقل مجالس است و
به انتقاد از این و آن سپری می‌شود و
حریم‌ها مراعات نمی‌گردد.

به روایت امیر المؤمنین علیه السلام:
مجلس پیامبر، مجلس بردباری، شرم و
حیا، صدق و امانت بود، سر و صدا و فریاد
در آن مجلس شنیده نمی‌شد، حرمت
افراد مورد هتک قرار نمی‌گرفت، و در پی
لغزش دیگران و عیب‌جویی از آنان نبودند،
همه اهل پیوند و صفا و ارتباط بر محور تقوا
بودند، بزرگان و سالخورده‌گان مورد تکریم و
احترام قرار می‌گرفتند، به خردسالان، ترخم
و شفقت می‌شد و افراد نیازمند و مراجعانی را
که کار داشتند، مراعات می‌کردند و پناهگاه و
مأمنی برای غریبان بودند:

«مَجْلِسُهُ مَجْلِسُ حِلْمٍ وَ حَيَاءٍ وَ صِدْقٍ وَ
امَانَةٍ، وَ لَا تَرْفَعُ فِيهِ الْأَصْوَاتُ...».

چنین مجلسی، زمینه‌ساز تربیت روحی
و ادب اجتماعی است. این فرهنگ را از پیامبر
صلی الله علیه و آله آموخته بودند. در محضر
آن حضرت، وقتی سخن گفته می‌شد، همه
گوش می‌کردند، سخن یکدیگر را قطع
نمی‌کردند، پای سخنرانی رسول خدا
صلی الله علیه و آله، سرپا گوش بودند، آن
چنان که گویی پرند بر سرشان نشسته
است. چون کلام پیامبر تمام می‌شد، آنان
آغاز به سخن می‌کردند. هنگام سخن گفتن
دیگری نیز تا پایان کلامش صبر می‌کردند
و وارد سخنان او نمی‌شدند. در حضور آن
حضرت، اگر سخنی هم درباره دیگران گفته
می‌شد، سخن از نیازها و حاجت‌هایشان
بود تا به تأمین و رفع آنها اقدام شود. خود
آن حضرت سفارش فرموده بود که حاجت
و نیاز کسانی را که دسترسی به من ندارند،
به من اطلاع دهید، چرا که خداوند در
قیامت، قدم‌های کسانی را بر صراط، استوار
می‌دارد که حاجت حاجتمندان و گرفتاری
درماندگان را به افراد توانگر و مسؤولان و
زمامداران برسانند. این بود که در خدمت
آن حضرت، سخن از این گونه نیازها بود و
مجال نمی‌داد که از عیوب و لغزش‌های
دیگران صحبت شود:

«... لَا يَذْكُرُ عِنْدَهُ إِلَّا ذَلِكَ وَلَا يَقْبَلُ
مِنْ أَحَدٍ عَثْرَةً».

برگرفته از کتاب اخلاق نبوی
آشنایی با سیره اخلاقی پیامبر
اعظم (ص) (۱ جلد)، محدثی، جواد.



رسول اکرم (ص) نقطه عطف بندگی با خدا



آیت الله العظمی
استاد جوادی آملی

اما آنچه که این دو را بر هم پیوند می‌زند و شوق را
به سوی حبیب حقیقی و اشراق را به روی محب واقعی
می‌گشاید، همانا وجود گرامی حضرت محمد (ص)
است و این که خداوند در قرآن فرمود: «وَلَوْ أَنَّهُمْ
إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ
الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا» (نساء/ ۶۴) یعنی
گرچه بنده عاصی با شوق جذب رحمت حرکت
می‌کند و مولای رحیم با فیض توابت ظهور می‌نماید
تا واسطه مقام محمدی و مراتب نبوی این پیوند را
ایجاد و تحکیم کند، البته اهل تحقیق می‌دانند که
این منطق هستی است که اختصاصی به استغفار ندارد

بلکه هر فیضی این گونه جاری و هر کمالی این گونه ساری است.
در پایان جمله‌ای از عالم ربانی و فقیه فرزانه و نام‌آشنای عرصه
عرفان و قرآن آیت الله جوادی آملی زینت بخش است... بنابراین
همان طور که ساقی خداست «وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِي» (شعراء/
۷۹) گرچه آب، رفع عطش می‌کند اغناهم کار خداست «وَأَنَّهُ هُوَ
أَعْنَى وَ أَقْنَى» (نجم/ ۴۸)

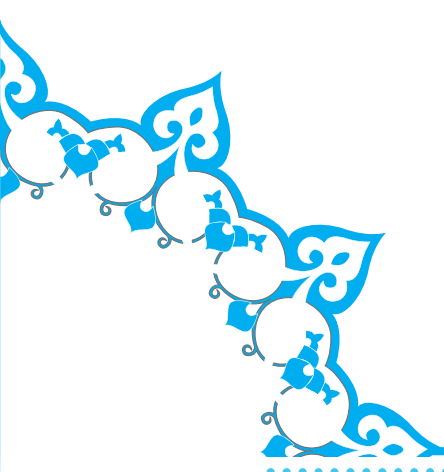
و رسول خدا مظهر صفت فعل او در اغناست همچنین براساس
آیه شریفه «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ
لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا» (نساء/ ۶۴) که در زیارت حضرت
رسول هم آمده است شفاعت و وساطت آن حضرت را خدای سبحان
تصدیق کرد. پس هر کس، هر چه دارد، از برکت وجود رسول
اکرم (ص) بوده و مهمان سفره پر فیض اوست، گرچه اصل آن از
خداست. (صهباي حج؛ ص ۵۱۸)

شمول مهر فراگیر الهی به گونه‌ای که همه
موجودات دایره هستی را شامل شود، تنها توسط
حقیقت که سعه وجودی او عالم و آدم را فراگیرد
ممکن است و آن هم جز نبی خاتم نیست که خداوند
در حق او فرمود: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» او
که افق اعلاي هستی نشانه‌های برتر حق را مشاهده
و با جلوه‌های کامل تر کمال او روبه‌رو شد. او که
مظهر اسم رحمانیت مطلقه و رحیمیه خاصه بلکه
مظهر ارحم الراحمین اوست. نظام احسن هستی که
براساس ترتب علمی طراحی شده، هر موجودی را در
مرتب و وجودی خود زیبا و کامل نگاشته به گونه‌ای که

نسبت به دانی خود اشراق و به عالی خود عشق می‌ورزد و این داستان
نه تنها نسبت به هر عالمی نسبت به عالم قبل و بعد خود است بلکه
نسبت به هر وجودی بالنسبه به سافل و عالم خود این گونه است.
رسول اکرم (ص) که جامع همه کمالات و واجد همه وجودات
است، براساس نظام عالی و منطق طولی اشراقش مشرق و مغرب
عالم را فرا گرفته و آنان را به خود مشتاق ساخته به گونه‌ای که در هر

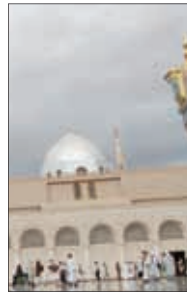
سو به سوی او و از هر جهت به روی او متوجه‌اند.
«وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا» و او شمس ضیاء خورشید جهان تابی
است که دیگر کرات را همانند قمر منیر و ماه شب تاب روشن کرده تا
به او عشق ورزند و به دیگران فروزندگی بخشند.

منطق استغفار، منطق اشتیاق و اشراق است. به عبارت دیگر،
شوق بنده با استغفار و طلب رحمت آشکار می‌گردد و توابت مولا با
اشراق و افاضه پدیدار می‌شود.



گرامی داشتن مدینه

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:
حضرت ابراهیم، مکه را گرامی داشت
و برای آن دعا کرد. من نیز مدینه
را گرامی داشته و حرمت نهادم،
آن گونه که ابراهیم، مکه را حرمت
نهاد. من برای مد و صاع مدینه دعا
کردم، آن گونه که ابراهیم برای مکه
دعا کرد.



مجله خبرنامه

دوره جدید - شماره ۲۹

۲۶ مهر ۱۳۹۳

۲۴ ذی الحجه ۱۴۳۵

18 October 2014

۹۳

حرم امن

مبدأ حاجی در سیر و سلوک حج، خود و مقصد او خدا است. حاجی از آن زمان که آرزوی آمدن به این سفر در دلش جوانه زد، به راه افتاد و اندک اندک از منیت های خود جدا شد و به همان میزان گام به گام به مقصد این سفر که خداست نزدیک شد، تا به میقات رسید و آنجا بود که آخرین ذره های منیت را پشت نیت احرام، جا گذاشت. محرم شد و آخرین گام ها را تا رسیدن به حریم حرم دوست برداشت، حالا حاجی به حریم حرم رسیده است، حریمی که جامع ترین صفت آن امن است، اینجا نه تنها انسان که تمام هستی به امنیت می رسد، حاجی از کندن گل ها و گیاهان و شکستن شاخه های درختان منع شده است. این نکته ضمن اینکه بیانگر شمول امنیت حرم بر نباتات است به حاجی گوشزد می کند که اگر گلی در حریم حرم به دست تو کنده شود، به جایش خاری در وجودت خواهد روید، خاری که دوباره نطفه های منیت را در وجود تو منعقد خواهد کرد، خاری که بر آینه زال و شفاف دلت که قرار است منعکس کننده تجلیات یار باشد خراش خواهد انداخت.

اگر شاخه درختی را در حریم حرم بشکنی، زمینه درستی شدن مجدد بت هایی را فراهم کرده ای که در طول سفر در وجود آنها را شکسته ای و نابود کرده ای. حرم امن، حرم جدا شدن از خویش است و رسیدن به خویش، جدا شدن از خویشی که با دوست بیگانه است و رسیدن به خویشی که با دوست آشناست.

می رسد و شور به پا می کند
عشق تو را از تو جدا می کند

آمده اند و کسی نیز از باطن کسی آگاه نیست که بخواهد بر آن اساس، برایش حساب چیدانه ای باز کند. تنها ملاک برتری، محک: **إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتِّقَاكُمْ** است که آن هم اشرافش نزد خداوند است.

عرصه، عرصه عمل به شعار هاست، شعار برابری و برادری که از مبانی تفکر اسلامی است و در اینجا بدون ذره ای خدشه بطور کامل به عمل در آمده است. میلیون ها حاجی محرم، گویی یک روح واحدند که در آینه هایی موازی به تکثیر رسیده اند، لباسشان یک رنگ و یکدست، رفتارها و اعمالشان شبیه هم، همه با هم راه می افتند، همه با هم می ایستند، همه با هم قیام می کنند، با هم به رکوع و سجده می روند، با هم پروانه وار گرد خانه دوست می چرخند و با هم به آسمان و به افق معرفت و شهود پرواز می کنند و مقیم غرفه های قدسی معنویت می شوند.

حاجی، خود را در حریم حرم، در آینه میلیون ها حاجی دیگر می بیند که به تکثیر رسیده است و از آنجا که این خود، از خودیت ها و خودمحوری ها با پوشیدن لباس احرام، تهی شده است، به همان میزان جلوه های ملوکوتی دوست در او به تجلی رسیده است. حالا حاجی وقتی به میلیون ها آینه نگاه می کند نه خود را که خدا را در چهره آنها می بیند و چنین است که حج، اوج تجلی خداوند در زمین است.

یار بی پرده از در و دیوار
در تجلی است یا اولی الابصار

فرصت پرواز نشان می دهد
عشق به تصویر تو جان می دهد
دست به هم دادن جان و تن است
فرصت یکرنگی من با من است
عشق به رقص آمدن سنگ هاست
لحن دگرگونی آهنگ هاست

حاجی نباید در حریم حرم امن، حیوانی را بیازارد و یا به او آسیب برساند که از ردن حیوان در این حرم، نوازش کردن شیطان است و کشتن حیوانات، زنده کردن شیطان در درون و بدیهی است که خطور خیال شیطان در دل حاجی نیز کافی است تا فرشتگانی که به استقبالش آمده اند و قرار است میهمان آینه خانه جانش شوند را فراری دهد.

وقتی این سفارشات به حاجی، در ارتباط با گیاهان و جانوران شده است، باید خود حدیث مفصل بخواند از این مجمل و در حساب بر خورد با هموعان، در خلوت خویش تأمل کند هموعانی که پس از احرام، همسانان او نیز شده اند، هیچ کس بر هیچ کس در این عرصه برتری ندارد، همه با ظاهری همگون

زائر و حفظ حرمت حج

هزینه کردن در انجام حج را بهتر از هر گونه بخششی به شمار آورده اند. روشن است که شارع مقدس از این همه تأکید مقصد و مقصودی را اراده کرده است، چنان که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده است: «تا زمانی که امت من احترام حج را رعایت کنند و حق بزرگداشت آن را آن گونه که سزاوار است بجا آورند، در خیر و خوشی خواهند بود و هنگامی که حج را ضایع سازند، هلاک خواهند گردید. یعنی از خیرات و برکات دنیا و آخرت محروم می گردند. حفظ حرمت حج به آن است که اهداف و مقاصد حج به خوبی درک شود این که رسول اکرم سعادت دنیا و آخرت مسلمانان را در گرو انجام حج می داند، حکایت از آن دارد که حج یک مسافرت معمولی نیست، همچنان که عبادت تنها هم نیست، چون با انجام یک فريضه به تنهایی سعادت دو دنیا تأمین نمی شود. آشکار است که این فريضه متفاوت با فرائض دیگر است یعنی تمامی شئون عبادی، سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی مسلمانان را در بر می گیرد زیرا انجام عبادت و مناسک در حج، هر کدام رمز و راز و اسراری در بر دارد و می تواند در صفای روح و زدودن رذائل، رشد و تکامل روحی و اخلاقی بسیار کار ساز باشد. حج از سویی، پیوندی است میان دنیا، عالم برزخ و آخرت و از سویی دیگر پیوندی است میان عبد و معبود و البته کنگره ای است برای هم اندیشی مسلمانان جهت رفع مشکلات و معضلات دنیای اسلام.

یک بخش از حکمت های مهم حج، ایجاد وحدت و همدلی میان اقوام و ملل گوناگون مسلمان است که در هیچ کدام از شعائر و احکام و عبادات دیگر به این صراحت و وسعت دیده نمی شود. حتی در هیچ یک از آموزه ها و مراسم ادیان و مکتب های دیگر مانند آن مشاهده نمی گردد. پس باید حکمت ها و حرمت های مناسک و معارف حج را پاس داشت و از هر کاری که آثار و نتایج آن را ضایع سازد، بشدت پرهیز کرد چه اندازه زشت و ناگوار است که کسی هزینه و زحمات گزافی را متحمل بشود اما نتواند از دستاوردهای این سفر بزرگ بهره مند شود و با گفتار و اعمال نسنجیده، آن را بر باد دهد. حفظ دستاورد حج تنها در رعایت اعمال و عبادات فردی نیست، بلکه گاه یک حرکت اختلاف انگیز و نفاق آمیز که به وحدت جامعه اسلامی و مصلحت مسلمانان آسیب برساند، می تواند مهم ترین حکمت های آن را نابود سازد.

باید بدانیم که کید شیطان بسیار نیرومند است و تنها با تحریک شهوات و غرایز بسنده نمی کند، بلکه گاه در لباس باورها و اعتقادات دینی جلوه گری می نماید و شخص را چنان می فریبد که خود متوجه نمی شود. و لذا ممکن است در حالی که بزرگ ترین جنایت و خیانت را مرتکب می شود، گمان کند که عبادت انجام می دهد و ثواب می اندوزد.

در این که «حج» یکی از عبادات بسیار مهم است، تردیدی نیست؛ زیرا آیات قرآن و روایات و احادیث پیامبر و ائمه هدی (سلام الله علیهم اجمعین) بر آن تصریح دارد و حتی تأکید بسیار شده است که در صورت استطاعت، هرگز به تأخیر افکنده نشود؛ چنان که ابوبصیر از امام صادق (علیه السلام) درباره آیه «وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا» - کسی که در دنیا نابینا باشد، در آن سرانیز نابینا و گمراه باشد» پرسید. حضرت در پاسخ فرمود: منظور از نابینایی در دو جهان کسی است که حج را به آینده موکول کند و هر سال وعده دهد که امسال حج می گزارم و انجام ندهد و چون سال دیگر شود، باز هم بگوید امسال به حج می روم و بدین گونه روزگارش سپری گردد و مرگش فرا برسد.

و باز در احادیث بسیار تأکید شده بر این که هیچ گاه کعبه را خالی نگذارید و حج را ترک نکنید. درباره عظمت و اهمیت این سفر روحانی همین اندازه بس که روایت شده است آن هنگام که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) از مکه کوچ کرد، یک نفر اعرابی در «بطح» به حضور رسید و گفت: ای پیامبر خدا! من به عزم حج بیرون آمدم ولی نتوانستم بدان موفق شوم و حج بگزارم، اما من شخصی ثروتمندم در عوض حج، امر کنی تا عمل و عبادت دیگری را بجا آورم که به ثواب حج نائل گردم!

ثواب حج گزار

حضرت نکاهی به کوه «ابی قبیس» که در آن نزدیکی بود، انداخت و فرمود: اگر به وزن کوه «ابی قبیس» زر سرخ داشته باشی و در راه خدا انفاق کنی، به ثواب حج نرسی! روشن است که عبادات هر کدام برای حکمتی وضع شده است و هیچ کدام نمی تواند جایگزین دیگری شود. همان طوری که در عالم مادی هیچ چیز جای چیز دیگری را نمی گیرد. چنان که صدها عدد نان جای یک جرعه آب را نمی گیرد. این تنها حج نیست که جایگزینی ندارد بلکه همه احکام و عبادات چنین هستند. به هر حال شرط سعادت دنیا و آخرت برای توانگر، انجام این فريضه دینی است چنان که پیامبر (صلی الله علیه و آله) خود فرموده است: هر کس دنیا و آخرت را بخواهد، باید به وسیله حج و زیارت این خانه (کعبه) به دست آورد.

راز محرومیت مسلمان از برکات دنیا و آخرت

زیرا به تعبیر رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، مجاهدان راه خدا و حج و عمره کنندگان، وارد شدگان بر خدا و مهمان اویند، آنها را وی دعوت کرده و ایشان اجابت نموده اند. آنها نیز از میزبان خود حاجات شان را طلب می کنند و او در برابر عطا می فرماید. برای همین اولیای خدا



حقیقت عبادت

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند:
لَيْسَتْ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصَّوْمِ وَالصَّلَاةِ وَ
أَمَّا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ؛
عبادت کردن به زیادی روزه و نماز
نیست، بلکه (حقیقت) عبادت، زیاد
در کار خدا اندیشیدن است.
(تحف العقول، ص ۴۴۸)

اسرار و معارف معنوی حج



تمام رفتار و اعمالی که در حج انجام می گیرد جنبه نمادین داشته و راز و رمزهای فراوانی در خود نهفته دارد. پیشوایان معصوم، مطالب مهم و ارزشمندی در بیان معارف و اسرار هر یک از اعمال بر شمرده اند. در این جا با استفاده از آیات و روایات به پاره ای از رازها و رمزهای نهفته در حج اشاره می کنیم:

- ۱- حج مظهری از مظاهر توحید است و هدف از تشریع آن، پرستش خدای یگانه و انجام عمل خالص برای اوست.
- ۲- حج پذیرش دعوت خداوند و پیمودن صراط مستقیم اوست و حاجی با اظهار لبیک، پذیرش دعوت خدا را اعلان نموده، خود را به اجرای فرموده الهی مکلف می سازد.
- ۳- حج پیوند جامعه اسلامی در عصر حاضر با صدر اسلام و یادآور خاطرات شکوهمند آن دوران شیرین و سرنوشت ساز است به خصوص دو شهر مکه و مدینه که وجب به وجب آن مملو از خاطرات تلخ و شیرین آن روزگار سراسر شرف و فضیلت است. حج تجلی بخش برادری، برابری و وحدت اسلامی است و جلوه عینی این حدیث شریف است:

انسان از حضرت آدم و آدم از خاک آفریده شده است. هیچ برتری عرب بر عجم و سفید بر سیاه ندارد، جز به پرهیز گاری.

- ۴- حج مظهر روح آدمیان است. انسان های الوده به عصیان و گناه با حضور در سرزمین وحی به خصوص عرفات، از گذشته سیاه خود اظهار پشیمانی نموده خود را از گناه شست و شو می دهند و تربیت شده به موطن خویش باز می گردند.
- ۵- حج جایگاه تربیت انسان هاست. حاجیان با ترک زندگی

و خانه و کاشانه و زن و فرزند و پذیرش زحمت و رنج، خویش را از رفاه زدگی و دنیاخواهی جدا می سازند و خود را برای پذیرش سختی ها در مسیر تحقق آرمان های الهی آماده می کنند.

- ۶- حج یادآور صحنه های حضور انسان هادر قیامت و صحرای محشر است.
- حاجی لباسی چون کفن مردگان بر تن کرده، در صحرا به دور از امکانات شهری وقف می نماید و کسی جز خدا فریادرس او نیست از این رو می تواند گوشه ای از هیجان و ترس و اضطراب آنچه را انسان در آینده با آن روبه روست به نمایش بگذارد.
- ۷- حج تمرین بریدن از شهوات و گناهان و هواهای نفسانی است. احرام به حاجی می آموزد تا از پاره ای گناهان دوری ورزد و فرامبری و دوری از معصیت را تمرین نماید.
- ۸- حج تمرین نظم است. خداوند به حاجی می آموزد که حتماً طواف را از حجر الاسود آغاز نماید. با شکل خاصی طواف کند. نماز را پشت مقام ابراهیم بخواند. سعی را از صفا شروع کند و به مروه ختم نماید و ...
- ۹- حج گردهمایی همه نیکان و پاکان و کنگره جهانی برای حل مشکلات مسلمانان است.

بالاخره حج از این راز و رمزها و درس ها فراوان دارد. امید آن که تمامی حاجیان با این نگرش به حج ببینند و در دریای مواج رحمت حق خود را از گناهان دور سازند و تربیت شده برای ساختن جامعه ای اسلامی و نمونه به شهر و دیار خود باز گردند.

میثاق با ابراهیم(ع)

بود، کلمه الله با مدد گرفتن از ذات جاودانه خدا، پرده های ظلمت را می دید و نور یکتا پرستی را از حجاز به شرق و غرب جهان آن روز می افشاند.

امروز هم همان نبرد، ساری و جاری است.

و ابوجهل های این عصر، کمر به هدم امت محمدی بسته اند، امتی به عظمت جهان و به گستردگی زمین، که عصاره ای از این نژادها و رنگ ها و زبان های مختلف را که زیر چتر اسلام قرار دارند، در اینجا می بینی.

چرا ما همچون بلال، سخنگوی توحید نباشیم؟

و همچون اسماعیل، حنجره ای فدای رضای خدا نداشته باشیم؟

ما چشمه زمزم را در سینه داریم؛ محبت اهل بیت.

گوهر همیشه فیاض را سیراب کننده جان ها داریم؛ ولایت.

همین چشمه جوشان، تو را به اینجا رسانده است، تا در حجر اسماعیل و کنار مقام ابراهیم بایستی و روی جسم و جان را به سوی کعبه بداری.

مسجد، در آغاز بعثت،

و حمایت حمزه و ابوطالب را از دعوت پیامبر.

و ندای قولوالله الا الله تفلحوا را که حضرت رسول، بر فراز کوه ابوقبیس سر داد و تاکنون در رواق تاریخ، طنین افکن بوده است.

شهری که شاهد شکنجه بلال و یاسر و سمیه و عمار بوده است.

محاصره اقتصادی مسلمین در شعب ابی طالب همین جا بوده است، با این همه آیا مکه جغرافی است یا تاریخ؟

این سرزمین، بارقه های الهی وحی را بر دوش کشیده است.

جبرئیل، در فراز حراء، نخستین آیات سوره اقرار را بر قلب خاتم پیامبران نازل کرده است.

ندای برتر الله اکبر، بزرگی و عظمت خدا را به گوش هستی نشنلست

حال، در کجای زمان و زمینی؟

آن روز که نبرد میان توحید و شرک در همین شهر، جاری

تو در امتداد کدام خط به کعبه رسیده ای؟ دستت در دست که بوده است که اینک حجر الاسود را لمس می کنی؟

نام شیرین کدام محبوب بر زبان و لبهای تو نقش بسته است. که بوسه بر حجر الاسود می زنی؟

تو، ای آشنای ابراهیم!

ای از تبار اسماعیل و محمد (ص)!

اینک در شهری گام نهاده ای که نفس های پاک ابراهیم بت شکن، در فضای مسجد الحرام عطر افشانی کرده است.

میان صفا و مروه، به یاد اسماعیل و هاجر، گام می زنی و جوشیدن چشمه زمزم را از زیر پای اسماعیل ذبیح، یاد می کنی.

به خانه توحید که قدم می گذاری، بت شکنی پیامبر و علی (ع) را در سال فتح مکه مرور می کنی و ... اذان بلال را بر بام کعبه،

و طواف رسول خدا را بر گرد این خانه،

و نماز جماعت سه نفری پیامبر و علی و خدیجه را در این

نابودی جوانانتان را آرزو نکنید

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم:
نابودی جوانانتان را آرزو نکنید، گرچه بدی‌های بسیار در آنان
باشد، زیرا آنان با آن بدی‌ها چند دسته‌اند: یا توبه می‌کنند و
خداوند هم توبه آنان را می‌پذیرد و یا این که آفت‌ها، آنان را از پای
در می‌آورد و یا بادشمنی می‌جنگند، یا آتش سوزی را، خاموش
می‌نمایند و یا سیلی را سد می‌کنند.
(حلیه الأولیاء، ج ۵، ص ۱۱۹)



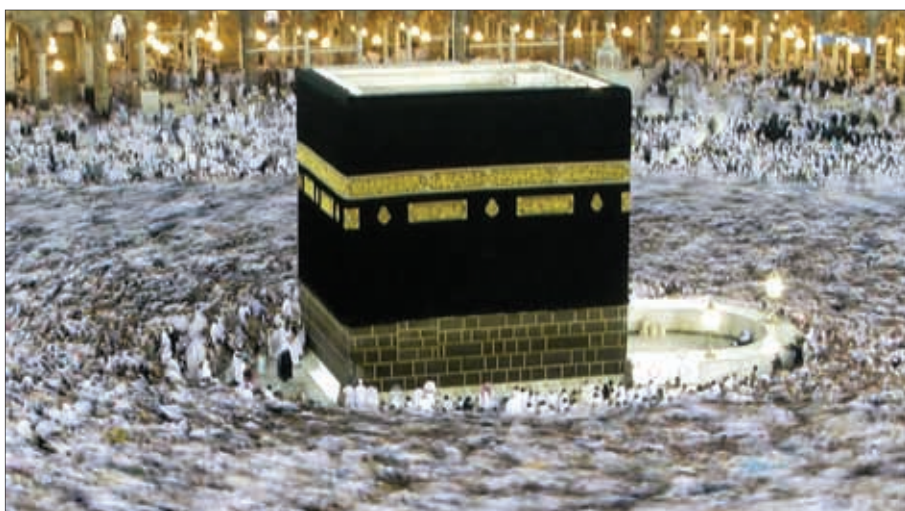
مجله خبرنامه

دوره جدید - شماره ۲۹

۲۶ مهر ۱۳۹۳

۲۴ ذی الحجه ۱۴۳۵

18 October 2014



که پیش از آن، کسی از بند گانم آنگونه دوستش نداشته باشد. هر که
به حق مرا بطلبد، مرا می‌یابد... پس ای زمینیان غرورها را رها کرده
و به کرامت و مصاحبت و انس بامن روی آورید تا من هم باشم! انس
گرفته و به محبت شما بشتابم... (میزان الحکمه، ج ۲ ص ۲۲۲)

کیمیای محبت، آدمی را به سوی کوی دوست رهنمون
می‌سازد. خداوند، مقام دوستی را در عالی‌ترین سطح ممکن مطرح
کرده است و به تبع این مقام، مقامات عالی‌تر به بندگان می‌دهد.
بنده خدا، عجب را به نیت مستجاب می‌خواند و هم حاجات خود
را از او می‌خواهد. در سفر حج و خانه خدا محبت خدا را از خدا
خواستن، عین عرفان و عشق است. محبت خدا نزد محبین، باید
محبوب‌ترین حوایج باشد. پیامبر در تبیین محبت و در مقام نیایش
عارفانه می‌فرماید: خدا یا من محبت تورا می‌خواهم و نیز محبت
کسی که تورا دوست دارد و هر کاری که مرا به محبت برساند.
خدا یا! عشق خودت را در نظرم از جان و اهل و از آب گوارای
سرد، محبوب‌تر گردان...

عرفان، سیر و سلوک روحی و معنوی در حج است. حج، سفری
است نیک فرجام و زائر، مسافر صراط عرفان در مهد قرآن و مهبط
وحی است. حج کوششی است برای کسب و پرورش دو مقوله مهم،
یکی عشق و دیگری عرفان. در حج و در جد و جهد حج و حج گزار،
عشق و عرفان مطرح می‌شود. عشق طریق عبادت و تعبد است که
باریاضت و شب‌زنده‌داری و دعا و نیایش حاصل می‌شود و عرفان
از معنویت، روحانیت، معنا و معرفت شناختی سخن می‌گوید. اگر
کسی جمع عبادت و معارف را توأمان به دست آورد، بی‌گمان در
عرصه ایمان قلل مرتفعی را فتح می‌کند.

در اسلام و معرفت دینی، هدف ارتقاء مقام انسان، به سوی
کمال است. انسان کامل، از هر فرصتی برای پر کشیدن و بالا رفتن
سود می‌جوید. عرفانی که به دنبالش طاعت و عبادت و عبادیت
باشد، برای عاشق شایق، نه تنها حکمت است، بلکه عین عقلانیت
و رهبانیت است. جوهر جود و جواهر جود، در پر تو نفعات الهی و
عرفان حج موجب می‌شود که انسان دل خود را خانه حب پروردگار
قرار دهد و در اعمال حج، از جمله حوایج حج گزار معتكف و متكدی
رضایت خداوند است.

عارفی را پرسیدند، بدین درآمده‌ای چه آورده‌ای؟ گفت: گدایی
که بر در خانه سلطان آمد، از او نمی‌پرسند چه آورده‌ای، بلکه
می‌گویند: ای بی‌نواچه می‌خواهی؟

عرفان در حج

را امیدوار می‌سازد و زیارت خانه خدا و عشق به اولیاء الله زمینه‌ساز
چنین ارتقاء روحانی است.

طواف خانه خدا و زیارت مرقد محمد رسول خدا و قبور ائمه
بقیع، هم بهای عشق و هم بهانه عاشقی است. همچنین عرفان در
حج نشانه جهت‌گیری انسان عارف است، انسانی که از سر معرفت و
تجربت اندیشی، مفتخر به مقام عرفان و روح الهی می‌شود.

خداوند به داود پیامبر خود می‌فرماید: ای داود! به اهل زمین
برسان که من دوست کسی هستم که مرا دوست بدارد. همنشین
کسی هستم که همنشین من باشد. مونس کسی هستم که با یاد من
انس گیرد. هر که مرا بر گزیند، من او را بر می‌گزینم. هر که مطیع من
باشد، من هم مطیع او می‌شوم. هر که را صاحب محبتی از صمیم
قلب بیابم، من او را برای خود می‌پذیرم و چنان دوستش می‌دارم



عرفان در حج منتهی به اتصال عابد به معبود
می‌شود و شاید الطاف خفیه الهی که لزوماً جزء
مشاهد معلومه نیستند، مشاهده شوند. البته این
همه به لطف حق، توفیق زیارت و چشم بصیرت
ممکن می‌نماید

در مسیر تکامل، انسان از نفعات جسمانی، برکات ربانی و توفیقات
عرفانی مستفیض می‌شود. زمان و مکان، دو فعل مربوط و مؤثر در
ارتقاء سطح معرفت شناختی انسان است. ذی الحجه، ایام الله است
و برای اقامه حج در این ماه حسنات بسیاری بر شمرده‌اند. مکه،
سرزمین وحی و نزول قرآن است و حضور در این مکان مقدس، در
ماه ذی الحجه و برای انجام حج ابراهیمی، از الطاف الهی است.
پیامبر (ص) می‌فرماید: در ایام روزگار تان، نفعه‌ها و
وزش‌هایی از نسیم لطف الهی است. آگاه باشید و خود را در
معرض آنها قرار دهید. إِنَّ لِرَّحْمِکُمْ عَزَّ وَجَلَّ فِی أَیَّامِ دَهرِکُمْ نَفَحَاتٍ
فَتَعَرَّضُوا لَهَا، در عرفان، هدف هدایت انسان به سوی خداست، از
او بییم و به سوی او می‌رویم. پیامبران خدا، انسان را به عشق و عرفان
اندرز می‌دهند و مقام ذکر را بهترین راه رسیدن به خدا می‌دانند.
زمان ذی الحجه مکان، مکه و ترجمان آن حج ابراهیمی و...
از دریای تابی نهایت وسیع عرفان در حج، باید جرعه‌ای نوشید
و لبی تر کرد.

آب دریا را اگر نتوان کشید / هم به قدر تشنگی باید چشید
عرفان، انسان را از ایستایی به حرکت در می‌آورد. از کرانه غدیر
فیض عارفان، می‌توان چگونگی زیستن و چگونگی مردن را آموخت.
در بحث عرفان و معرفت شناختی، علم فلسفه و علوم کلام جای
خود را به عقل عاشقی و مقام عرفانی می‌دهد.
پیوند با خدا چه از راه عشق معنوی و چه از راه عشق مجازی،
آدمی را به مراد می‌رساند، زیرا مراد از معشوق مطلق خدا است و
عشق به خدا سوزنده و سازنده است.

حَبَّ الله نَارًا لَیْمُرَ عَلَی شَیْءٍ الا احتراق و نور الله لا یطلع علی
شَیْءٍ الا اضاء، محبت خدا آتشی است سوزان و نور خدا فروغی
است روشنگر. (امام علی، میزان الحکمه، ج ۲ ص ۲۲۶)
عرفان راهنمای انسان برای بالا رفتن از نردبان عشق و
رسیدن به معشوق است.

ناز پرورده تنعم نبرد راه به دوست
عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد

عرفان در حج تجلی می‌یابد و حج عرفان مجسم است و زائر
بیت الله الحرام، از منظر معرفت الله در حج و در خانه خدا، در
پی خدا است. برای عارفان مناجات با خدا احساس شوق و ترجمان
تعلق و وابستگی است. عارف در پرتو عرفان خانه خدا را طواف و در
و دیوار دیار بار بار زیارت می‌کند. حجر الاسود را می‌بوسد، دست
نیاز به سوسوی بی‌نیاز می‌برد و حوایج خود را از خدا می‌طلبد. عارف،
در سفر حج خاک ره دوست را سمرمه چشم می‌کند، چه می‌داند
زیارت موجب محبت، و شناخت می‌شود. شناخت، باب دوستی را
می‌گشاید و محبت به دیدار می‌انجامد. موسم حج وقت ملاقات با
خدا است. در سفر به خانه خدا، می‌توان محبت صاحبخانه را نسبت
به صاحبان معرفت دید. چه بسا پیوند خلق با خالق که در سفر حج
منعقد می‌شود، دیدار یار اقرار گردد.

عرفان در حج منتهی به اتصال عابد به معبود می‌شود و شاید
الطاف خفیه الهی که لزوماً جزء مشاهد معلومه نیستند، مشاهده
شوند. البته این همه به لطف حق، توفیق زیارت و چشم بصیرت
ممکن می‌نماید. در مدار عشق و عرفان و در حیطة و قلمرو محبت
پروردگار و اولیاء الهی اصلی‌ترین امتیاز، ساختن انسان ممتاز است.
در عالم عرفان و حج عارفان محبت دو طرفه است.

خداوند به بندگان خود چنین وعده داده است: فاذکرونی
اذکرکم، مرا یاد کنید تا من هم به یاد شما باشم.

کسی که از سر معرفت دینی به خداوند روی می‌آورد، خداوند
هم به او عنایت دارد. کسی که خدا را یاد می‌کند، خدا نیز او را
فراموش نخواهد کرد. یاد خدا دل را آرام، قلب را مطمئن و ضمیر



توبه نیکو است اما از جوانان نیکوتر

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: الْعَدْلُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الْأَمْرَاءِ أَحْسَنُ، وَالسَّخَاءُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الْأَغْنِيَاءِ أَحْسَنُ، الْوَرَعُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الْعُلَمَاءِ أَحْسَنُ، الصَّبْرُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الْفُقَرَاءِ أَحْسَنُ، التَّوْبَةُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الشُّبَابِ أَحْسَنُ، الْحَيَاءُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي النِّسَاءِ أَحْسَنُ؛ عدالت نیکو است اما از دولتمردان نیکوتر، سخاوت نیکو است اما از ثروتمندان نیکوتر؛ تقوا نیکو است اما از علما نیکوتر؛ صبر نیکو است اما از فقرا نیکوتر، توبه نیکو است اما از جوانان نیکوتر و حیاء نیکو است اما از زنان نیکوتر. (نهج الفصاحه، ح ۲۰۰۶)

تربت برگزیده

■ جواد محدثی

مکه سرزمین برگزیده خداوند است و مورد نظر و توجه پروردگار سرزمین عرفان و معنویت و توحید است، خاستگاه اسلام است، تربت منتخب آفریدگار است و زیارت این دیار، قدم نهادن و رفتن و دیدن و فیض بردن از جاهایی است که مورد عنایت خاص خداست. امام صادق (ع) فرموده است:

«محبوبترین زمین نزد خدا، مکه است. نزد خداوند هیچ خاکی محبوبتر از خاکش و هیچ سنگی گرمیتر از سنگش و هیچ درختی محبوبتر از درخت مکه و هیچ کوهی محبوبتر از کوه هایش و هیچ آبی محبوبتر از آب مکه نیست.»

در ارزش زیارت مکه همین بس که ایام پربرکت و سراسر خیر حج، آنقدر سازنده و پربرکت و پربرکت است که در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) حتی خواب در مکه، همچون تلاش و فعالیت در شهرهای دیگر و سجود در مکه، همچون به خون غلتیدن و شهادت در راه خدا به حساب آمده است: «والنائم بمكة كالمتجهد في البلدان والساجد بمكة كالمتسخط بدمه في سبيل الله...»

ارزش و قداست این خاک به خاطر انتساب به پروردگار است و برگزیدگی این تربت، به خاطر معنویات و خاطرات مقدس این مهد وحی و کانون رسالت و توحید است. مرحوم علامه امینی در رد نظریه کسانی که به این گونه امور و تبرک جستن ها و ارزش قائل شدن ها ایراد می گیرند، بحث و بیان مفصلی دارد که در جایی چنین می گوید: «...همچنان که اراضی و میدان ها و خانه ها و ادارات رسمی و دولتی که به نحوی منتسب به حکومت هاست، احکام و مقررات ویژه ای دارد که مردم ملزم به رعایت آن و اجرای قوانین مربوط به آن هستند، همچنین زمین ها و بناها و سرزمین های منسوب به خداوند هم شئون خاص و احکام و مقررات ویژه و لوازم و روابطی دارد



و فروش و... مقرراتش ویژه و لازم الاجرا است. اگر مکه مکرمه حرم امن الهی است که مردم به آن روی می آورند و از هر فراز و نشیب آهنگ خانه خدا می کنند و آن اعمال مخصوص را انجام می دهند و حتی گیاهان حرم هم حکم خاص دارد، اینها از آثار همان انتساب به خداوند است و به خاطر این است که خداوند، «مکه» را از بین سرزمین ها، برگزیده است.

که حتمی است و آن کسی که تسلیم پروردگار باشد و در لوی توحید و زیر سایه اسلام زندگی کند، به ناچار باید آنها را مراعات کرده و به وظایف خود در قبال آنها قیام و اقدام کند و از همین جا است که کعبه و حرم و مسجد الحرام و مسجد النبوی و کلا مساجد و معابد و کلیساها و کنیسه ها احکام خاص و مقررات ویژه و احترام فوق العاده دارد و از نظر طهارت و نجاست و خرید

حجر الاسود حلقه اتصال

برسد. چیزی نمی گذرد که کششی غریب تو را به سمت خودش می کشاند. احساس می کنی خنکای دلنوازی تمام وجودت را فرا گرفته. می فهمی که دست در دست حجرالاسود... از شوق در پوست خود نمی گنجی، گویی جان از تنت مفارقت کرده است. به خود می آیی، سبک تر شده ای، مثل کودکی هایت که سبکبال از این سو به آن سو می پردی، تلاطم مردم تو را از حج جدا می کند.

به گوشه ای پناه میبری، تازه می فهمی که پهنای صورتت از بارانی چشم هایت مرطوب است. احساس شادابی می کنی، دلت می خواهد به آسمان نگاه کنی. سرت را بالا می گیری. آنقدر زلال شده ای که می توانی تراکم ابرها را در نورددی و به آسمان چندم برسی. با خودت می گویی چندمین بار است که در این روزها زلال می شوی. حال می فهمی این که کعبه آینه عرش است، یعنی چه. دلت پرواز می خواهد تا آنجا که نمی دانی کجاست. اما این تنها ابتدای راه است. تو لذت با خدا بودن را اینچنین نچشیده بودی... می خواهی برای ابد در این مسجد بمانی، اما می دانی که این ابتدای پرواز است.

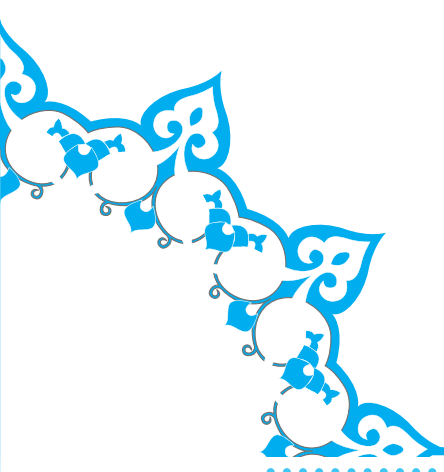
ابتدای رسیدن به او. رو به کعبه می ایستی از خدا خودش را می خواهی، خواسته هایت رنگ و بویی دیگر یافته است. دیگر قیدی به خواسته های امروزی ات نداری؛ تازه فهمیده ای که چیزی قشنگ تر از آنچه تا به حال داشته ای، وجود دارد که تو در این لحظات ناب آن را کشف کرده ای. می خواهی بال در بیاوری، پرواز کنی، اوج بگیری.

وقتی روزها و شب هایت را در مکه می گذرانی، بیشتر از آن که به در و دیوار مسجد الحرام مشغول باشی، دوست داری از سر خوشانه این خانه لبریز شوی، گاهی مقابل کعبه نماز می خوانی، گاهی خودت را با تمام وجود به تلاطم طواف می سپاری و در هفت شوط عاشقانه ذکر می گیری، گاهی به حجر اسماعیل می روی، گاهی از زاویه ای به کعبه می نگری که در قاب چشم هایت مقام ابراهیم گل کرده باشد و گاهی هم به سومین طبقه می روی تا از بالا ببینی فرشتگان چگونه از این حرکت عاشقانه بندگان لذت می برند.

حالا می خواهی برای یک بار هم که شده حجرالاسود را استلام کنی. حجرالاسود سنگ سیاهی است که گوشه ای از خانه خدا نشسته است تا دستان گناهکاران را بگیرد و آنها را از هر چه زشتی است، پاک کند. شنیده ای که در روایت آمده حجرالاسود سنگ سفید و جذابی بوده است که از بهشت برای بنای این خانه آمده است.

در مجاورت دستان گناهکاران به سیاهی نشسته است تا آنها را رو سفید کند. تمام گناهانت را به یاد می آوری، تمام لغزش هایت را، تمام نافرمانی هایی که کرده ای و می دانی این سنگ فاصله تو را با عرش پر می کند. آن کسی که عرشی شود، بی شک از تمام لغزش ها پاک می شود.

حجرالاسود شاید تنها سنگ سیاهی باشد که در یکی از ارکان خانه استقرار دارد، اما برای تو مثل بال پرواز می ماند. آرام آرام صف زائران را کنار می زنی، در آن از دحام خودت را به حجرالاسود می سانی، با تمام وجود تلاشی می کنی برای لحظه ای هم که شده، دستت به حجر



سلام بر پیامبر

قال رسول الله (ص):
مَنْ سَلَّمَ عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ قَبْرِي سَمِعْتُهُ، وَمَنْ
سَلَّمَ عَلَيَّ مِنْ بَعِيدٍ بَلَغْتُهُ.
حضرت رسول (ص) فرمود:
هر کس از کنار قبرم بر من سلام دهد،
آن را می شنوم و هر کس از دور بر من
سلام دهد، آن را به من می رسانند.
بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۸۳.



مجله خبرنامه

دوره جدید - شماره ۲۹

۲۶ مهر ۱۳۹۳

۲۴ ذی الحجه ۱۴۳۵

18 October 2014

۹۳

اسرار ۲۲

آداب مهمانی

کعبه بیت مکرم و مطهر قبله مؤمنان و مضاف پاکدلان است. خداوند برای تکریم این بیت و تشریف زائران خانه‌اش، ابراهیم خلیل و اسماعیل ذبیح را مأمور ساخت تا خانه کعبه را تطهیر نمایند و لوث شرک و کفر و فسق و فساد و ستم و بیداد را از دامن آن بزدایند: تطهیر بیت از هر گونه ارجاس و آلودگی‌ها، از یک سو به جهت حرمت خانه و انتساب آن به رب‌البیت و صاحبخانه است و از سوی دیگر به احترام مهمانی که به این خانه فراخوانده شده و امانت الهی را بر دوش دارد. از این رو حاجی نمونه که در کسوت مهمانی به این خانه وارد می‌شود، باید احترام خانه و صاحبخانه را نگهدارد و تشریف و تکریمی را که آن میزبان کریم برای وی قائل شده است، درک کند. قدر و جایگاه خود را بشناسد و بداند که خانه پاک، زائر پاک می‌طلبد، پاک از همه آلودگی‌های درون و برون تا شایسته ضیافت الهی گردد و گرنه مهمانی است ناخوانده که شایستگی پذیرایی ندارد.



فضای روحانی حج نموداری است از بهشت برین و زائران باید در سایه یک تحول عمیق روحی، همانند بهشتیان باشند، با خلق و خوی پسندیده و خصال ستوده. صفوان جمال گوید: «از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود: «هر گاه کسی آهنگ این خانه کند، اما دارای سه خصلت نباشد، به او توجه نخواهد شد: الف. حلم و بردباری که خشم و غضب را بدان مهار کند. ب. خلق و خویی که به وسیله آن با همسفران خود مصاحبت نماید. ج. پارسایی و ورع که وی را از معاصی باز دارد.

قداس حرم ایجاب کرده که تخطی از دستورات شرع و آلودگی به ردائل اخلاقی در آن حرم کبریایی به مثابه الحاد تلقی شود که این تعبیر در مورد هیچ یک از ردائل و در سایر شرایط دیده نمی‌شود.

آثار ارزشمند توبه



خداوند کریم چنان آمرزنده و نسبت به بندگان مهربان است که با یک اراده و پشیمانی بنده‌اش، گناهان بی‌شمار او را می‌بخشد. در قرآن می‌خوانیم: چنانچه از گناهان بزرگی که شمار از آن نهی کرده‌اند دوری گزینید

در قرآن کریم و روایات، از فضیلت توبه و آثار آن بسیار سخن به میان آمده است. خداوند کریم، سبصد مرتبه در جای جای قرآن، خود را با صفاتی چون: رحیم، غفار، ودود و غفور ستوده است و در موارد بسیاری با صفت توباب به گناهکاران بشارت می‌دهد. توبه کلید سعادت و سرمایه نجات آدمی و راه رستگاری ناامیدان و سرگشتگان است. مرحوم ملا مهدی نراقی در فضیلت توبه می‌گوید: بدان که توبه نخستین مقام از مقامات دین و سرمایه ساکنان راه و کلید استقامت خواستاران ایمان و سرآغاز تقرب به پروردگار عالمیان است. آثار توبه را می‌توان در امور ذیل خلاصه کرد:

۱- محبوبیت نزد پروردگار

یکی از آثار و فضیلت‌های توبه این است که توبه کننده مورد محبت و عنایت ویژه حق تعالی قرار می‌گیرد، چنان که می‌فرماید: خداوند توبه‌کاران را دوست می‌دارد.

امام باقر (ع) می‌فرماید: خدای تعالی شادتر است به توبه بنده خدا از مردی که در شب تاریک در بیابانی مرکب و توشه خود را گم کرده باشد و ناگاه آن را بیاید.

زمانی که قوم موسی علیه‌السلام در غیاب او به پرستش گوساله می‌پردازند، باز این پیام رحمت الهی است که از زبان حضرت موسی به قوم گوساله پرستش نوید بخشش و محبت پروردگار می‌دهد: ای قوم من! شما به نفس خود ظلم کردید که گوساله پرستی اختیار نمودید. پس توبه کنید و به سوی خدا باز گردید و (به کيفر جهالت خود) به کشتن یکدیگر تیغ برکشید، این در پیشگاه خدا بهترین کفاره شمامست. آنگاه توبه شما را می‌پذیرد و خدا توبه‌پذیر و مهربان است.

و چه زیباست که گناهکاران در این سفر از نعمت بی‌کران پروردگار بهره‌مند و به وسیله توبه، زشتی‌ها و پلیدی‌های عمل خود را محو و نابود کنند.

۲- سرکوبی شیطان

آنگاه که خداوند حضرت آدم علیه‌السلام را آفرید و به ملائک فرمان داد که بر آدم سجده نمایند، شیطان کبر ورزید و بر حضرت آدم سجده نکرد و به همین سبب از درگاه الهی چنین گفت: به عزت قسم همه بندگان را گمراه می‌کنم. شیطان با این عملش، به عنوان دشمن قسم خورده اولاد آدم، پا به عرصه کارزار گذاشت. حضرت آدم از این که فرزندانش گرفتار چنین دشمنی هستند، به درگاه خداوند انابه کرد.

۳- پاک‌سازی گناهان

خداوند کریم چنان آمرزنده و نسبت به بندگان مهربان است که با یک اراده و پشیمانی بنده‌اش، گناهان بی‌شمار او را می‌بخشد. در قرآن می‌خوانیم: چنانچه از گناهان بزرگی که شمار از آن نهی کرده‌اند دوری گزینید، ما از گناهان دیگر شما را می‌گذریم و شما را به مقامی بلند و نیکو می‌رسانیم. همچنین در قرآن کریم به کسانی که به سبب جهالت و نادانی، گرفتار بدی و گناه شوند و آن گناه توبه کرده و کار نیک انجام دهند، وعده بخشش و مهربانی داده شده است: آن کس که توبه کند و به خدا ایمان آورد و نیکوکار گردد و درست به راه هدایت رود، مغفرت و آمرزش من بسیار است.

پشیمانی از گناه، نه تنها سبب بخشیدن گناهان می‌شود، بلکه سبب پاک شدن دل می‌گردد. از این رو دلی که پاک گردد، آینه معارف الهی می‌شود.



غذا خوردن گروهی در حج

از آداب و سنن سفر، غذا خوردن گروهی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «مِنَ السُّنَّةِ إِذَا خَرَجَ الْقَوْمُ فِي سَفَرٍ أَنْ يَخْرُجُوا تَفْتَهُمُ فَإِنَّ ذَلِكَ أَطْيَبُ لِنَفْسِهِمْ وَأَحْسَنُ لِمَخْلَقِهِمْ»؛ یکی از سنت های سفر این است که هر گاه گروهی به سفر می روند، توشه خود را بیاورند که این بیشتر بر دل هایشان می نشیند و در حسن اخلاقشان تأثیر بیشتری دارد.»



مروری بر توصیه های رهبر معظم انقلاب به حجاج ایرانی بیت الله الحرام

هم ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی است. می بینید دستپروردان استعمار در دنیا به مناسبت مسائل عراق چه حرف هایی می زنند، چه سمپاشی هایی می کنند و به خیال خودشان چه بذر نفاقی می پراکنند. سال های متمادی است که دست استعمار و دست قدرت طلب قدرتهای فزونخواه غربی دارند این کار را می کنند. در حج، فرصت خوبی برای آنهاست تا شیعه را از سنی، و سنی را از شیعه عصبانی کنند؛ آن را وادار کنند به مقدسات این اهانت کند، این را وادار کنند به مقدسات و محبوبات او اهانت کند. باید هوشیار بود؛ مخصوص حج هم نیست؛ در همه ی دوران سال و در همه ی میدانها باید هوشیار بود. جنگ شیعه و سنی، محبوب واقعی امریکاست. بعد از گذشت قرن ها روبه روی هم بنشینند - مثل کسانی که در جنگ با همدیگر روبه روی می شوند - با دل های پُر کینه نسبت به یکدیگر حرف بزنند؛ این او را سب کند، او این را سب کند. هیچ بُعدی ندارد که بخصوص در این روزگار بسیار حساس، در مراسم حج کسانی را اجیر کنند، برای این که این اختلاف را ایجاد کنند؛ شما باید هوشیار باشید؛ مردم هوشیار باشند؛ روحانیون محترم کاروانها باید با احساس مسؤولیت تمام نسبت به این قضیه، متوجه باشند؛ بداند دشمن چه می خواهد. غفلت بزرگی است که انسان به خیال این که از حقیقت دفاع می کند، از نقشه ی دشمن دفاع کند و برای دشمن کار کند. دیگران پول می گیرند، مزدور می شوند و این کار را می کنند؛ عده یی عوام سطحی متعصب را هم ممکن است علیه شما، علیه عقایدتان و علیه مقدساتان تحریک کنند. اگر با عمل متقابل مواجه نشوند، بلاشک به هدف خودشان رسیده اند؛ آنها همین را می خواهند؛ می خواهند ما را با هم گلاویز کنند تا خیال خودشان را راحت کنند.

بیانات در دیدار کارگزاران حج ۱۳۸۳/۰۹/۳۰

متعال دارد حرف میزند. هر چه می توانید، این وجه مشترک را به رخ یکدیگر بکشید؛ بفهمند که این وجه مشترک وجود دارد. وقتی مسلمان در اقصی نقاط عالم احساس کرد که در کشورهای دیگر، در ملت های دیگر برادرانی دارد، قوت روحی پیدا می کند، اعتماد به نفس پیدا می کند؛ از ضعفی که دستهای خبیث مستکبر بر مسلمانها تحمیل کرده اند، خودش را نجات می دهد. این حالت باید تقویت شود.

بیانات در دیدار کارگزاران حج ۱۳۹۱/۰۷/۰۳

■ از عکس العمل های غلط در برابر فشارها و اهانت ها علیه شیعیان، خودداری کنید

حج باید مظهر اتحاد باشد، باید مظهر تفاهم باشد، باید مظهر گفتگو باشد، باید مظهر همدلی و همکاری و نزدیک شدن مسلمانان با یکدیگر باشد؛ باید حج را اینجوری پیش برد، باید اینجوری حرکت داد. حالا در حج که مرکز اتحاد و اتفاق است، یک عده ای شروع کردند به ایجاد اختلاف - چه در مکه، چه در مدینه - یک عده ای شروع کردند علیه شیعه فعالیت کردن؛ برای زیارتشان، برای کارهایشان، برای انجام وظائف و تکالیف و اعتقاداتشان، اینها را زیر فشار قرار دادن، اهانت کردن - که متأسفانه گزارشهایش میرسد - یک عده هم از این طرف به صورت عکس العملی کارهای خلاف دیگری بکنند. خوب، این درست عکس مصلحت حج است؛ عکس فلسفه ی حج است.

بیانات در دیدار کارگزاران حج ۱۳۸۹/۰۷/۱۸

■ به خیال دفاع از حقیقت قشهی دشمن را عملی نکنید

امروز یکی از اهداف اساسی استکبار و امریکا در دنیای اسلام عبارت است از ایجاد اختلاف؛ بهترین وسیله

■ با زبان و عمل با برادران مسلمان دیگر کشورها ارتباط برقرار کنید

ارتباطات با برادران مسلمان در دنیای اسلام باید در این مرکز مهم احیاء شود. ارتباطات، ارتباطات دولتها نیست. ارتباطات دولتها، ارتباطات رسمی است، ارتباطات زبانی است، برای مسائل دیگری است. ارتباط بین احاد امت اسلامی، ارتباط قلبی است؛ این با ارتباط احاد ملتها با یکدیگر حاصل میشود. در دیدار با برادران مسلمانی که از کشورهای دیگر آمده اند، آنهایی که اهل زبانند، می توانند حرف بزنند، با زبان اظهار محبت کنند، اظهار تعارف کنند، بر روی نقاط مشترک تکیه کنند.

بیانات در دیدار کارگزاران حج ۱۳۹۱/۰۷/۰۳

■ ممکن است دیگران تنه بزنند شما در مقابلش لبخند بزنید

هنگام مناسک حج به دیگران جا بدهید، محبت کنید، سختی ها را تحمل کنید.

آنهایی که اهل حرف زدن نیستند، با عمل؛ جا بدهید، مهربانی کنید، محبت کنید، بعضی از سختی ها و خوشونتیا را تحمل کنید؛ یکی ممکن است تنه بزند، شما در مقابلش لبخند بزنید. در عمل سعی کنید این ارتباط به وجود بیاید؛ نه فقط برای اینکه آبرو و عزت ایران و ملت ایران را حفظ کنید - که البته این در جای خودش خیلی مهم است؛ چقدر خوب است که یک ملت بتواند کرامت خود، ارزش خود، پابندی خود به آداب و اخلاق انسانی و اسلامی را نشان بدهد - بلکه برای اینکه این ارتباط قلبی برقرار شود. اهل هر نژادی است، اهل هر زبانی است، اهل هر مذهبی است، مسلمان است؛ او هم مثل شما به عشق کعبه آمده، به عشق پیغمبر آمده؛ او هم دارد همین راه را می رود، او هم با خدای



میزان

کشور خودتان را هم - که ایران عزیز و سربلند است - در این سفر سربلند کنید. حاجی ایرانی با رفتار خود می تواند کشور خود را، تاریخ خود را، انقلاب خود را، نظام جمهوری اسلامی خود را در چشم مردم دنیا - که آنجا همه از جاهای مختلف جمعند - شیرین و عزیز کند. عکسش هم میشود پرویم آنجا یا کارهای بد، نامناسب و سبک، کشورمان را سبک کنیم، ملتمان را سبک کنیم.

بیانات در دیدار کارگزاران حج ۱۳۹۰/۰۷/۱۱



اوقات شرعی مدینه منوره		
۲۴ ذی الحجه ۱۴۳۵	۲۶ مهر ۱۳۹۳	
۱۸ اکتبر ۲۰۱۴	شنبه	
۵:۰۴	۶:۲۱	۱۲:۰۷
اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر
۱۵:۲۴	۱۷:۵۱	۱۹:۲۱
اذان عصر	اذان مغرب	اذان عشاء

صراط



از مهمات در عبادات، از جمله در حج، اخلاص در عمل است، اگر خدای نخواست، کسی عملی را برای خودنمایی انجام دهد باطل است، حجاج محترم بدانند که خودبینی و خودخواهی، با خداخواهی مخالف است، و با هجرت الی الله، و سیر الی الله نمی سازد.

صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۳۷

پاسخگویی به مسائل شرعی (استفتائات): ۰۵۰۸۰۱۲۲۷۸ - ۰۵۰۷۹۶۵۹۱۲ - ۰۵۳۰۷۷۲۷۸۵ - ۰۵۳۰۷۷۱۸۴۸ - ۰۵۳۰۷۷۱۲۲۷

همه چیز درباره مسجد قبا

مسجد قبا اولین مسجدی است که توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله) بنا گردید.

موقعیت جغرافیایی

منطقه قبا در فاصله شش کیلومتری جنوب مسجد النبی (صلی الله علیه و آله) واقع است و از نقاط خوش آب و هوا و از مناطق زراعی و پر آب اطراف مدینه به شمار می آید. به همین دلیل نخلستان های زیادی در قبا وجود داشته و دارد. مردم این منطقه، که به نام طایفه بنو عمرو بن عوف شناخته می شدند، به دلیل واقع شدن قبا در جنوب شهر مدینه و در واقع سر راه مکه به مدینه، نخستین استقبال کنندگان از مهاجرین و نیز شخص رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در وقت هجرت بودند.

پیش از آمدن رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، شماری از مهاجران که از مکه به مدینه آمدند، به طور موقت در قبا سکونت گزیدند. پس از آن که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به قبا آمدند، چند روزی در آنجا توقف کرده و آن گاه که خانواده آن حضرت، همراه علی بن ابی طالب (علیه السلام) به ایشان پیوستند، راهی محل اصلی یثرب، یعنی جایی که امروزه مسجد النبی (صلی الله علیه و آله) قرار دارد، شدند.

تاریخ بنای مسجد

در چند روزی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در قبا بود، مسجدی در این ناحیه بنا کرد که طی آن، تنها دیواری از سنگ های حَرّه بر گرد آن کشیده شد. تا زمان توسعه و لید بن عبد الملک مسجد سقف نداشت و اگر هم داشت، از همان شاخه های خرما بود.

ورود رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را به قبا، دوشنبه، دوازدهم یا چهاردهم ربیع الاول نوشته اند. آن حضرت در این چند روز میهمان کلثوم بن هذم بود و در منزل سعد بن خثیمه با مردم نماز می خواند. سعد در جنگ بدر و پدرش در جنگ احدهبه شهادت رسیدند. خانه



سعد بن خثیمه و کلثوم بن هذم در سمت قبله مسجد - جنوب غربی - بوده و هر دوی آنها در حال حاضر، در مسجد قرار گرفته است. تا پیش از توسعه سال ۱۴۰۶ قمری، خانه سعد بن خثیمه به صورت مستقل وجود داشته و طی چهارده قرن، زائران قبا، به آن خانه نیز وارد شده و در آن نماز می خواندند. در حال حاضر، محل این دو خانه، در سمت قبله مسجد قبا، سمت راست محراب واقع است.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بعدها نیز که در مرکز مدینه ساکن شد، هر هفته، گاه روزهای شنبه و گاه دوشنبه به قبا می آمد و در این مسجد نماز می گزارد. ابن شَبّه نوشته است: «إِنَّ النَّبِيَّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) كَانَ يَأْتِي قُبَاَ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ». [۱]

مسجد قبا در قرآن

بنا به روایات فراوان، مسجد قبا مصداق آیه «...لَمَسْجِدَ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ...» [۲] می باشد. این آیه اشاره به این نکته دارد که این مسجد از روز نخست بر پایه تقوا ساخته شد و لذا سزاوار است تا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در این مسجد نماز بگزارد. به سبب نزول این آیه در شأن مسجد

قبا، در آن زمان، مسجد یاد شده را به نام «مسجد التقوی» می شناختند. [۳] این آیه در برابر مسجد ضرار نازل شد که برخلاف مسجد قبا که بر پایه تقوا ساخته شده بود، مسجد ضرار بر پایه نفاق و اختلاف بنا گردید. تعبیر «مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ» به معنای همان روز تأسیس مسجد است که با نیت خالص بنا نهاده شد.

همچنین نقل شده است که آیه «...فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ» [۴] در شأن نمازگزاران مسجد قبا نازل شده است. این آیه در کنار آیاتی که اشاره به اقدام منافقان در ساختن مسجد ضرار دارد، در سوره توبه آمده و مربوط به سال نهم هجری، اندکی پیش از جنگ تبوک است.

یاقوت حَمَوِی در اوایل قرن هفتم هجری نوشته است که مسجد ضرار در برابر مسجد قبا ساخته شد و تا به امروز ویرانه آن باقی است.

زائرانی که برای زیارت مسجد قبا به این ناحیه می آیند، به مسجد ضرار هم سری زده و بازدید لگدی به آن، از آنجا می گذرند. [۵]

تجدید بنای مسجد قبا

عمر بن عبدالعزیز در آخرین دهه قرن اول هجری، به دستور ولید بنای اولیه مسجد قبا

را خراب کرد و از نو بنایی استوار برپا ساخت و برای آن رواق هایی نیز افزود.

مسجد قبا بعدها به دست جمال الدین ابو منصور اصفهانی، یکی از وزرای حکام موصل، در سال ۵۵۵ قمری بازسازی شد. آثار این وزیر در تمامی مکه و مدینه دیده می شود.

توسعه مسجد قبا در قرن اخیر

مسجد قبا همیشه مورد توجه مسلمانان بوده و بارها تعمیرات اساسی در آن انجام شده است. در سال ۱۳۸۸ قمری ملک فیصل رواق های آن را در جهت شرقی مسجد توسعه داد.

بنای جدید آن، که در ۲۶ صفر سال ۱۴۰۶ قمری به پایان رسید، در شکل معماری جدید خود، یکی از مهم ترین و زیباترین مساجدی است که در مدینه منوره قرار دارد. در بنای فعلی چهار مناره برای این مسجد در نظر گرفته شده که هر کدام ۴۷ متر طول دارد.

مساحت تقریبی آن و بناهای جانبی مربوط به آن، در محدوده ای به مساحت ۱۳۵۰۰ متر مربع می باشد که بر اساس محاسبات معماران آن، گنجایش بیست هزار نمازگزار را دارد.

ثواب نماز در مسجد قبا

به هر روی، مسجد قبا نخستین مسجدی است که رسول الله (صلی الله علیه و آله) آن را بنا کرد. آن حضرت درباره نماز خواندن در مسجد قبا فرمود: «مَنْ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ أَتَى مَسْجِدَ قُبَاَ فَصَلَّى فِيهِ رَكْعَتَيْنِ كَانَ كَأَجْرِ عُمْرَةِ [۶]؛ کسی که در خانه اش وضو بگیرد، آنگاه به مسجد قبا در آید و دو رکعت نماز بگزارد، ثواب یک عمره را برده است.»

در حدیث دیگری هم آمده است: «كَانَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَأْتِي مَسْجِدَ قُبَاَ رَاكِبًا وَ مَاشِيًا فَصَلَّى فِيهِ رَكْعَتَيْنِ [۷]؛ رسول خدا، گاه پیاده و گاه سواره به مسجد قبا می آمد و دو رکعت نماز در آن می خواند.»

پی نوشت ها:

۱. التاريخ القويم لمكة وبيت الله الكريم، ج ۱، ص ۲۴۴.
۲. توبه /سوره ۹، آیه ۱۰۸.
۳. تاریخ المدینة المنورة، ج ۱، ص ۵۵.
۴. توبه /سوره ۹، آیه ۱۰۸.
۵. معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۰۲، ذیل مدخل قبا.
۶. تاریخ المدینة المنورة، ج ۱، ص ۴۰.
۷. کتاب مسلم، باب فضل مسجد قبا، ج ۳۹۹.